

فصلنامه پیام فرهیختگان (علوم تربیتی)
سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۷

نقش مدارس در تربیت شهروند فعال و مولفه‌های آن

مجتبی دهدار* / لیلا سایگانی** / اسماعیل ارباب*** / محمد ارژنده**** / حسین شاهکزه‌ی*****
احمد ریسی*****

چکیده

فلسفه تشکیل هر نهاد یا سازمانی پاسخگویی به نیاز یا نیازهای معینی است و نظام آموزش و پرورش نیز از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و فعال را متناسب با نیازها و ارزش‌های اجتماعی تربیت و تحویل جامعه نماید. رسالت آموزش و پرورش در همه دوره‌ها پرورش نسل‌های انسانی برای برآوردن نیازهای جوامع بوده است. در این میان، تربیت شهروندی جایگاه ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر با روش تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای و استناد به نتایج حاصل از پژوهش‌های محققان در این زمینه در نظر دارد نقش مدارس در تربیت شهروندان فعال و مؤثر و مطلوب را بررسی و مؤلفه‌های شهروند فعال را کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که آموزش و پرورش یک کشور، نقش اساسی در تربیت شهروندان آن جامعه و آموزش و توسعه حقوق انسانی دارد. اینکه شهروندان بتوانند از نقش خودآگاهی یافته به آن ارج نهند و نیز مشارکتی فعال در سطح ملی داشته باشند، دلیل محکمی بر این موضوع است که نظام آموزش و پرورش باید به تربیت شهروندی کودکان و نوجوانان بپردازد. نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزش‌های اجتماعی تربیت کند و تحویل جامعه دهد.

واژگان کلیدی: تربیت شهروندی، شهروند فعال، مدارس، نظام آموزشی.

* کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوین‌زهرا atenaa291@gmail.com

** دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان ایران‌شهر

*** دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان ایران‌شهر

**** دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان ایران‌شهر

***** دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان ایران‌شهر

مقدمه

از مهم‌ترین رسالت‌ها و دلایل شکل‌گیری دستگاه تعلیم و تربیت در طول تاریخ بشری و توسعه آن به شکل کنونی آماده‌سازی شهروندانی متعهد، فعال اخلاق بوده است. در این راستا مدرسه به‌عنوان عنصری از آموزش و پرورش در جوامع امروزی به‌عنوان حیاتی‌ترین دستگاه فرهنگی در تربیت شهروند مؤثر و فعال به حساب می‌آید؛ چراکه در پرتو آموزش‌های مدرسه است که شاکله شخصیتی و رفتاری دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. بر پایه آموزش‌های رسمی و غیررسمی مدرسه‌ای است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به‌طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند. سرنوشت انسان در کلاس درس شکل می‌گیرد (منافی شرف‌آبادی، زمانی، مهدوی خواه ۱۳۹۴). در گزارش اخیر مطالعه تربیت شهروندی «انجمن بین‌المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی» آمده است، تمام جوامع معاصر دارای این نگرانی و دل‌مشغولی عمیق هستند که چگونه نوجوانان و جوانان خود را برای زندگی شهری و شهروند مؤثر و فعال بودن آماده کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی را به آن‌ها بیاموزند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱). توسعه مفهوم شهروندی و نقش آموزش در آن به‌طور فزاینده‌ای توسط محققان، معلمان، سیاستمداران در دهه گذشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در کشور ما نیز بخش‌هایی از «سند چشم‌انداز بیست ساله آموزش و پرورش» به مؤلفه‌های شهروندی و تربیت شهروند مطلوب و فعال اختصاص یافته است. کشورهای زیادی تربیت و آموزش شهروندی را به‌عنوان قسمت اجباری برنامه‌های درسی در نظر گرفته‌اند تا از این طریق شهروندان مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی بیشتری در زندگی خود داشته باشند (اریدیس^۱، ۲۰۰۵). پژوهش‌های متعددی ادعا می‌کنند که آموزش و تربیت شهروندی هنوز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم چارچوب‌های رسمی نظام آموزشی باید در نظر گرفته شود (هانسن^۲، ۲۰۱۱؛ مون و کو^۳، ۲۰۱۱؛ یمینی^۴، ۲۰۱۴؛ هان^۵، ۲۰۱۵).

۱. Euridyce

۲. Hansen

۳. Moon & Koo

۴. Yemini

۵. Hahn

تربیت شهروندی تدارک فرصت‌هایی برای اشتغال دانش‌آموزان در تجربه‌های معنادار یادگیری است. به‌گونه‌ای که به تسهیل رشد آن‌ها به‌عنوان افراد متعهد و فعال اجتماعی و سیاسی بینجامد (قلتاش، ۱۳۹۱). شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش درک درست و عینی از جهان آموزش ببینند، در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به‌عنوان یک شهروند به‌صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند (گبورز و همکاران^۱، ۲۰۱۳). آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه‌مند و افرادی متکی به‌خود و قابل‌اعتماد بار آیند. وقتی که دانش‌آموزان به سن نوجوانی و جوانی می‌رسند مدرسه باید به آنان بیاموزد که چگونه یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و علاوه بر مهارت‌های ضروری، مشاوره و آموزش لازم در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال یافتن از خانواده، مدیریت امور مالی خود و آشنایی با قوانین و مقررات و ارتباط‌گیری با ادارات و مسئولان دولتی را به آنان آموزش دهد. نوجوانان و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از شایستگی‌های فکری و رفتاری و مهارت‌های گوناگون نظری و عملی برای آغاز زندگی مستقل خود هستند (یمینی، ۲۰۱۴).

بنابراین همان‌گونه که گفته شد پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی پیرامون تربیت شهروندی و ضرورت توجه به آن در نظام آموزش و پرورش انجام شده است و نتایج بسیاری در این زمینه بدست آمده است. از این رو پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت شهروندی، درصدد پاسخگویی به این سؤال است. نقش مدارس در تربیت شهروند فعال چیست و مؤلفه‌های تربیت شهروند فعال توسط مدارس و معلمان کدام‌اند؟ ابعاد تربیت شهروند فعال کدام‌اند؟

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است که در آن کوشش شده است مطالب به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شود و با روش توصیفی تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ سپس با استخراج اسناد و محتوای موردنظر کار طبقه‌بندی آن‌ها در تحقیق انجام شده و مطالب با مراجعه به منابعی مانند پایان‌نامه‌ها،

مقاله‌ها و کتاب‌های معتبر استخراج شده و به توصیف مطالب مرتبط با عنوان تحقیق پرداخته و پس از آن به سؤال‌های پژوهش از جمله نقش مدارس در تربیت شهروندان فعال، مؤلفه‌های شهروند فعال و ابعاد شهروند فعال پاسخ داده شده است.

یافته‌های تحقیق

(الف) یافته اول پژوهش: مؤلفه‌های تربیت شهروندی

مشارکت فعال: مشارکت شهروندان در امور جامعه یکی از ارکان اساسی جوامع مردم‌سالار و مدنی است چراکه شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت فعال در مسائل عمومی مشخص می‌شود. به عقیده میشل والرز علاقه‌مندی به مسائل عمومی و دل‌بستگی به اهداف عمومی علائم اصلی فضیلت مدنی می‌باشند. مشارکت در جامعه مدنی از روحیه عمومی بیشتری تغذیه می‌کند و بیشتر مربوط به منافع مشترک است. شهروندان در چنین جامعه‌ایی اگرچه قدیسان فارغ از خود نیستند اما حوزه عمومی را چیزی بیش از عرصه منازعه‌ای برای تعقیب منافع شخصی می‌دانند (روبرت، ۱۹۹۸)؛ بنابراین اگر بخواهیم شهروندانی فعال و مشارکت‌جو در امور کشور تربیت کنیم شایسته است که در مدارس نیز دانش‌آموزان را در امور مختلف کلاس و مدرسه مشارکت دهیم (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷).

تفکر انتقادی: در واقع در جامعه مردم‌سالار وظیفه آموزش و پرورش عبارت است از آزاد کردن ذهن، تقویت قوای انتقادی، آشنا کردن ذهن با دانش و توانایی تحقیق مستقل، برانگیختن همدردی‌های بشری در آن و پرتو افکندن بر گزینش‌های اخلاقی و عملی آن. به علاوه این وظیفه نباید به طبقه فرعی معینی از اعضای جامعه محدود باشد، بلکه حتی‌الامکان باید تمام شهروندان را در بر گیرد؛ زیرا همه فراخوانده شده‌اند تا در فرایندهای بحث، نقد، گزینش و کوشش مشترک که ساختار اجتماعی مشترک به آن وابسته است شرکت کنند. فقدان داوری‌های ارزشی و تفاوت‌های لازم در بسیاری از نظام‌های آموزشی جوامع مختلف که ناشی از ضعف نظام آموزشی آن جامعه است، در بسیاری اوقات منجر به از دست دادن هویت واقعی ملی شده است (سجادی، ۱۳۷۸).

تصمیم‌گیری مدنی: کلاس‌های مطالعات اجتماعی محیط‌های ایده‌آلی برای پرورش مهارت تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان می‌باشند. فارغ‌التحصیلان علوم اجتماعی در دهه گذشته به تدریج به اهمیت تصمیم‌گیری به‌عنوان یک شیوه آموزشی پی‌برده‌اند و آن را یک مهارت ضروری می‌دانند که

نتیجه آموزش‌های شهروندی در مدارس می‌باشند. در متن مطالعات اجتماعی لازم است تصمیم‌گیری به صورت اجتماعی انجام شود و دو عنصر تعامل گروهی و بیان اخلاق را در بر داشته باشد (رونوی‌آلن، ۲۰۰۰، به نقل از برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۸۷).

تشکیل انجمن‌های دانش‌آموزی: توسعه رفتارها و عادات شهروندی نه تنها نیازمند توسعه آگاهی و دانش مربوط به آن است بلکه نیازمند تمرین عملی و پرورش افراد در راستای این امر مهم است. در حقیقت عامل عملی و پرورش افراد به لحاظ اهمیت و ضرورت مهم‌تر از آموزش‌های پیش‌گفته است. برای تمرین عملی و پرورش شهروند لازم است افراد از سنین پایین عملاً در این ماجرا درگیر شوند (ذکاوتی، ۱۳۷۸). در بسیاری از مدارس ابتدایی انجمن‌های دانش‌آموزی وجود دارد که در آن‌ها قوانین و مقررات مدرسه از لحاظ مناسب بودن، معنادار بودن و سادگی در اجرا بررسی می‌شوند. انجمن‌های دانش‌آموزی مکانی ایده‌آل برای یادگیری مردم‌سالاری می‌باشند. اگرچه این انجمن‌ها مسؤلیت محدود دارند و اعضای آن معمولاً زود خسته و دلزده شده و از آن کنار می‌روند (برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۷۸).

قوانین و مقررات کلاس: بعد از خانه، کلاس درس بهترین مکان برای تعلیم عدالت و قانون به دانش‌آموزان است. برای مثال در یکی از درس‌های مرکز تعلیم و تربیت شهروندی در آمریکا دانش‌آموزان منظره یک کلاس بی‌نظم را می‌بینند و در مورد مشکل آن بحث می‌کنند و پیشنهادهایی برای بهبود آن ارائه می‌دهند. چنین درس‌هایی اهمیت قانون و قدرت‌هایی برای دانش‌آموزان روشن می‌کرد. وقتی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی به اهمیت قوانین یک کلاس خوب پی برده‌اند، آماده‌اند تا با معلمان درباره قوانین ضروری در کلاس و تقویت آن‌ها بحث کنند. برای کمک به آن‌ها ممکن است معلمان پیشنهادهایی برای ایجاد قوانین در حوزه‌هایی مثل صحبت کردن، خوردن و نوشیدن، امنیت، دارایی و دیگر فعالیت‌های کلاس ارائه دهند. همچنین در مدارس مردم‌سالار، یکی از اهداف مهم ایجاد برابری حقوق شهروندی در میان تمام دانش‌آموزان می‌باشد؛ در واقع از نظر اجتماعی، کلاسی، مردم‌سالار و فراگیر است که هرچه بیشتر بتواند دانش‌آموزانی با حقوق برابر در خود داشته باشد. دانش‌آموزان دارای حقوق حقه خود وارد مدارس مردم‌سالار می‌شوند و سپس مسؤلیت‌پذیری را یاد می‌گیرند، درحالی‌که در مدارس دیگر حقوق مدارس زیرمجموعه‌ای از مسؤلیت‌ها بوده و تنها مسؤلیت اجازه بهره‌مند شدن از حقوق را می‌دهد. دانشمندان معتقدند این مسئله موجب از هم

پاشیدگی و نابرابری رفتار دانش‌آموزان می‌گردد (تونی نایت، ۲۰۰۰، به نقل از برخورداری و جمشیدیان)

تأکید بر مباحث چالش‌برانگیز و پرهیز از کتاب محوری: پاتریک و هاگ معتقد بودند که در محیط آزاد کلاس که معلم بارها موضوعات بحث‌انگیز را در آن مطرح می‌کند و اجازه بحث آزاد در رابطه با این موضوعات را می‌دهد، بحث در رابطه با موضوعات جدال‌برانگیز باعث تحریک تفکر می‌شود، اما تأکید بر آزمون‌های مشروط و تلاش مضاعف برای مهار کردن رفتار دانش‌آموزان تنها در جهت سرد نمودن آنان در دست زدن به خطر و ریسک می‌باشد (تونی نایت، ۲۰۰۰). کوبلیک در تحقیقی که روی بچه‌های هشت تا ده ساله داشت به این نتیجه رسید که توانایی استدلال می‌تواند به وسیله آموزش‌های مردمی به دست آید. برخلاف شیوه حفظ مطالب از سوی عادت که معمولاً شیوه‌های نامناسب برای کسب اطلاعات می‌باشد و دانش علمی را که پایه تفکرات اجتماعی است افزایش نمی‌دهد (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۷۸).

جو مناسب کلاس و مدرسه: متخصصان تعلیم و تربیت بر این عقیده‌اند که از معلمانی که روش تمرین آموزش مردم سالارانه را در پیشرفت حرفه خود و چگونگی به‌کارگیری این روش را در کلاس یاد نگرفته‌اند نمی‌توان انتظار داشت که مردم‌سالاری را در کلاس خود ترویج دهند. شواهد نشان می‌دهد که عوامل مهمی که بر جو کلاس تأثیرگذارند ممکن است به روش‌های آموزش معلمان بستگی داشته باشد (کابو و کینی، ۲۰۰۰، ص ۲۶۷، به نقل از برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷). باید توجه داشت که چگونگی اداره کلاس درس بر برداشت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی کودکان اثری بر جای می‌گذارند. اتخاذ روش‌های مردم سالارانه از سوی معلم، نگرش‌های مردم سالاری را در کودکان پرورش می‌دهد و سبب تقویت آن‌ها می‌شوند، متقابلاً اتخاذ روش‌های استبدادی و سخت‌گیرانه، کودکان را به نظام‌های سلسله‌مراتبی گرایش می‌دهد و کنش آن‌ها را نسبت به اقتدار قدرت تقویت می‌کند. روش اول بر نقش معلم به‌عنوان یک مدل رفتاری تأکید می‌گذارد درحالی‌که روش دوم بر اهمیت یادگیری اصرار دارد و برای آن ارجحیت قائل است (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۱۵۹)

اطلاع‌رسانی و جستجوی اطلاعات: یکی از بهترین خصوصیات یک شهروند خوب آگاهی اوست. برای رسیدن به این هدف راه‌های زیادی وجود دارد. در بسیاری از شهرهای بزرگ روزنامه‌ها قسمتی مخصوص دانش‌آموزان چاپ می‌کنند که در مدارس به‌صورت رایگان در اختیار آن‌ها قرار گیرد

(برخوررداری و جمشیدیان، ۱۳۷۸). علاوه بر این دانش‌آموزان باید شیوه‌های جستجوی اطلاعات از کتابخانه‌ها، سایت‌های کامپیوتری و نشریات را یاد بگیرند تا هر روزه اطلاعات و آگاهی موردنیاز خود را کسب کنند (لویز روزن، ۲۰۰۰، به نقل از برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۸۷)

ب) یافته دوم پژوهش: ابعاد شهروند فعال

بعد شناختی شهروند فعال: اولین بعد قابل توجه در تربیت شهروندی فعال، افزایش دانش و آگاهی‌های افراد از مؤلفه‌ها یا مصادیق شهروندی فعال و رشد مهارت‌های عقلانی وی برای تحلیل و ارزیابی هرچه بهتر مؤلفه‌ها یا رفتارهای شهروندی است. به عبارتی یک شهروند فعال در جامعه محلی، ملی و جهانی درک و فهم شایسته‌ای از رفتارهای شهروندی و ویژگی‌های شهروند فعال دارد. برنامه‌های درسی بایستی در اهداف پیرامون شهروندی سطوح پایه انتقال دانش تا سطوح عالی حیطه شناختی یعنی تحلیل و ترکیب و ارزیابی را مدنظر داشته باشند و علاوه بر اهداف محتوایی فعال و پژوهش محور و زمینه‌ساز نقد و تحلیل مسائل و موضوعات شهروندی را تهیه و تدوین و از روش‌های تدریس مناسب برای رشد مهارت‌های شناختی و عقلانی استفاده نمایند (قلتاش ۱۳۸۷).

بعد عاطفی تربیت شهروند فعال: دومین بعد مهم برنامه درسی تربیت شهروند فعال، توسعه نگرش‌های شهروندی، ایجاد انگیزه و عواطف مثبت نسبت به رفتارها و موضوعات شهروندی است. توسعه این بعد تربیتی همواره فرد را مجهز به راههای انجام تلاش و اقدامات سازنده شهروندی خواهد ساخت، چرا که انگیزش و عواطف مثبت انرژی لازم برای انجام فعالیت‌ها می‌باشد. براین اساس ضرورت دارد که در طراحی برنامه درسی عوامل انگیزشی همواره در نظر باشد تا در مرحله اجرا و عملیاتی نمودن ضامن موفقیت باشد (قلتاش، ۱۳۸۷).

بعد عملکرد تربیت شهروند فعال: در این بعد توسعه توانمندی‌ها و مهارت‌های شهروندی و اجتماعی دانش‌آموزان مدنظر است. مهارت‌های اجتماعی و شهروندی فعال به واسطه تدارک فرصت‌های مشارکت و تعامل دانش‌آموزان در فرایندها و فعالیت‌های یاددهی و یادگیری ارتقا می‌یابد. به‌طور مسلم توسعه و ارتقا مهارت‌های شهروندی فعال نیازمند طراحی دقیق فرصت‌ها و فعالیت‌های شهروندی در برنامه درسی و اجرای شایسته آن است. در این ارتباط جایگاه روش‌های تدریس اساسی‌تر به نظر می‌رسد، چرا که برای فرآیند عملیاتی نمودن برنامه (اهداف و محتوا) منظور شده است. علاوه بر این مدارس بایستی فرصت‌های مشارکت و تعامل را برای یادگیرندگان در جای جای

مدرسه فراهم سازند. نه تنها برنامه درسی و معلم وظیفه هدایت و ارتقای بعد عملکردی یا مهارتی شهروندی را برعهده دارند بلکه مدیریت مدرسه باید با تقویت شوراها و انجمن‌های دانش‌آموزی و با واگذاری مسئولیت‌ها و فعالیت‌ها، فرصت‌های توسعه بعد مهارتی شهروندی را مهیا سازند (قلناش، ۱۳۸۷).

نمودهای شاخص تربیت شهروند مطلوب، فعال و جهانی در مدرسه: همان‌طور که اذعان شد، آموزش و پرورش باید دانش‌آموزان را نه فقط برای زندگی در جامعه خود و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی زندگی، بلکه برای زندگی در جامعه جهانی تربیت کند؛ شهروندانی که تنها متعلق به جامعه، شهر و روستای خود نبوده و برای تداوم زندگی می‌توانند با شهروندان جوامع دیگر تعامل داشته باشند؛ بنابراین زمانی دستگاه تعلیم و تربیت در رسیدن به اهداف و رسالت‌های خود موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق تربیت کند و این امر جز از طریق تربیت شهروندی مطلوب و ارتقای فرهنگ شهروندی قابل‌اجرا در مدرسه میسر خواهد شد. مدرسه باید وظایف تربیتی خود را به انجام برساند و برای ارتقای توانایی‌های دانش‌آموزان، از جنبه‌های شخصی و اجتماعی تلاش کنند؛ به‌طوری که قادر به تعمیم تجربیات مدرسه‌ای خود در سطح جامعه باشند. برای تحقق رسالت مذکور، مدرسه به‌عنوان نمونه کوچکی از جامعه و در برگیرنده بخشی از نقش‌آفرینان آینده جامعه، نقش‌های زیادی از جامعه را در دل خود نهفته دارد. این نقش‌ها به‌مثابه نمودهای تربیت شهروند فعال و جهانی قابل‌اجرا در مدرسه، فرصتی مناسب و درعین‌حال تمرینی کم‌خطر و پرثمر برای نقش‌آفرینی آینده دانش‌آموزان خلق می‌کند؛ نمونه‌های شهروندی که نمونه‌های واقعی آن در جامعه موجود است و دانش‌آموزان بر حسب علاقه، توانایی، پیشینه شغلی و خانوادگی در این نموده‌ها نقش‌آفرینی می‌کند و با وظایف و حقوق خود در آن نقش و همچنین سایر نقش‌های موجود در جامعه جهانی آشنا می‌شود (شرف‌آبادی، زمانی، مهدوی خواه ۱۳۹۴)

بحث و نتیجه‌گیری

نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن‌رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزش‌های اجتماعی، تربیت و تحویل جامعه کند. لذا تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین مسائل و دل‌مشغولی‌های نظام‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف جهان است. تربیت شهروند مطلوب و فعال یکی از مهم‌ترین وظایف نظام‌های آموزشی است و از طرق گوناگون برای

تحقق آن تلاش می‌شود. متأسفانه در نظام آموزش و پرورش ایران به‌ویژه برنامه‌های درسی مدارس توجه لازم به تربیت شهروندی نمی‌شود و صرف‌نظر از آنکه برنامه درسی ویژه‌ای تحت عنوان "آموزش شهروندی" وجود ندارد؛ بنابراین همان‌طور که در متن مقاله حاضر نیز راجع به مفهوم تربیت شهروندی و ابعاد و مؤلفه‌های آن بحث شد لازم است خوانندگان بالأخص دستگاه‌های تربیتی و مدارس پیشنهادها و راهکارهایی را که ارائه شد بکار گیرند تا به تربیت شهروندانی مفید، مؤثر، مطلوب و فعال همت گمارند تا شهروندانی آگاه، مسئول و متعهد را تربیت کنند.

منابع

- ۱- برخوردار، عبدالرسول و جمشیدیان، مهدیه. (۱۳۸۷). تربیت شهروندی (با تأکید بر مؤلفه‌ها). انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- ۲- ذکاوتی قراگزلو، علی. (۱۳۷۸). نقش تعلیم و تربیت نسل جدید در تحقق جامعه مدنی، فرهنگ عمومی، شماره ۱۶ و ۱۷
- ۳- سجادی، سید مهدی. (۱۳۷۸). نقش نظام آموزشی در بهبود روند توسعه سیاسی. همایش آزادی و تحقق آن، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- طالب زاده نوبریان، محسن و فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۲). مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی. تهران: آبیژ
- ۵- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۱). برنامه‌های درسی تربیت شهروندی، اولویتهای پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران، مجله پرورش دانشگاه اصفهان، ۱۴(۲)، ۱۸۱-۲۰۶.
- ۶- فتحی، کریم. (۱۳۸۳). اصول، اهداف و راهکارهای تربیت مدنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۷- قلناش، عباس. (۱۳۸۷). نقد و بررسی عناصر بر نامه درسی در رویکردهای پیشرفت نژاد و محافظه کار تربیت شهروندی، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۲۲(۱۷)، ۲۷-۴۸.
- ۸- کریمی، فرهاد و ادیب، افشین. (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت شهروندی، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۶(۳)، ۲۴-۳۲.

۵۰ — فصلنامه علمی - تخصصی پیام فرهیختگان (علوم تربیتی): سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۷

۹- منافی شرف آبادی، کاظم؛ زمانی، الهام و مهدوی خواه علی. (۱۳۹۴). *الگوی کارآمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش*. مجله مهندسی فرهنگی، ۹ (۸۴)، ۸۴-۱۰۵.

- 10- Geboers, E., Geijsel, F., Admiraal, W., & ten Dam, G. (2013). *Review of the effects of citizenship education*. Educational Research Review, 9, 158-173.
- 11- Hahn, C. L. (2015). *Teachers' perceptions of education for democratic citizenship in schools with transnational youth: A comparative study in the UK and Denmark*. Research in Comparative and International Education, 10(1), 95-119.
- 12- Hansen, D. T. (2011). *Introduction: rethinking globalization, education, and citizenship*.
- 13- Johnson, L., & Morris, P. (2010). *Towards a framework for critical citizenship education*. The Curriculum Journal, 21(1), 77-96.
- 14- Kennedy, K. J. (2012). *Global trends in civic and citizenship education: What are the lessons for nation states?*. Education Sciences, 2(3), 121-135.
- 15- Moon, R. J., & Koo, J. W. (2011). *Global citizenship and human rights: A longitudinal analysis of social studies and ethics textbooks in the Republic of Korea*. Comparative Education Review, 55(4), 574-599.
- 16- Yemini, M. (2014). *Internationalization discourse What remains to be said? Perspectives: Policy and Practice in Higher Education*, 18(2), 66-71.